

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

حصول تفاهم یا سرهم بندی رقابت‌ها؟

سنگ بنای گفتگوها برچه بنیادی استوار می‌باشد
چگونگی اعتماد بنفوس طرف‌های درگیری

نحوه تعهد و پابندی به توافقات حاصله
طرح کلیات موضوع مورد بحث
تلاش‌هایی بمنظور اعتمادسازی
جزئیات می‌توانیم موجود

در آغاز سخن باید متذکر گردید که نه روسیه و نه ایالات متحده از چگونگی عملکرد طرف‌های درگیر در کشور ما، اصلن سخنی بمیان نمی‌آورند، بنابراین نتایج تلاش‌های آنها بمنظور حل و فصل منازعات موجود در افغانستان، یادآور می‌توانیم هابست که از جزئیات مهمی برخوردار نمی‌باشد.

بگونه مشخص، یادآوری این مسأله از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می‌باشد که در راه اندازی رسمی گردهم‌آیی‌ها از بیشترین شخصیت‌ها و افراد تأثیرگذار و محترمی دعوت بعمل می‌آید، اما گاهی از جریان فعالیت و نحوه اجرای مسؤلیت‌ها چنین برمی‌آید که دستگاه خوب کارنکرده و وظایف محوله بدرستی انجام نمی‌پذیرد.

همه باین امر واقف اند که با وجود آنکه "طالب"ها در کشور روسیه از جمله گروه‌های ممنوع محسوب می‌گردند، اما شرکت هیأت نمایندگی در نشست یادشده (در نشست مشاوره‌ی مسکو) و سهمگیری آنها طی کار طاقت فرسا در این گرد هم‌آیی در نوع خود بمثابه دستیابی به موفقیت برای آنها تلقی می‌گردد.

آیا می‌توان نشست مسکو و سهمگیری طرف‌های مطرح در کار آن را بمثابه یک رویداد تاریخی پنداشت؟
نخست از همه، مسأله را از اینجا باید آغاز نمود که سفر هیأت نمایندگی "طالب"ها بمنظور انجام مشاوره در محل یاد شده، اندکی عجیب بنظر می‌رسد، اما بخودی خود، چنین وضعیتی برای نخستین بار اتفاق افتاد. همچنان طی سال ۱۳۹۲ که "طالب"ها در کشورهای ایران و ازبکستان رحل اقامت افکنده بودند، اقدامات اینچینی در راستای امریاد شده انجام پذیرفت.

همچنان آنها در دفتر سیاسی سازمان در دوحه با مهمان‌ها از جمله با دیپلمات‌های امریکایی و نماینده‌های مختلفی از کشور ما به صحبت و گفتگو پرداختند.

در حال حاضر، زمانی که حوادث و انکشافات مطرح در نشست مسکو از طریق وسایل اطلاعات جمعی انعکاس می‌یابد، این واقعیت بهمگان واضح می‌گردد که مشکلات و موانع عدیده‌ای در امر گردهم‌آیی متذکره، از جمله یکی هم طرح مسایل در "قالب عصبانیت" توسط اشرف غنی رئیس جمهور کشور محسوب می‌گردد. با توجه به مطالبات اغراق آمیز و طرح مسایل به شیوه تهدید آمیز از جانب رئیس جمهوری کشور، مسأله تدویر گردهم‌آیی مسکو، چندین مراتبه به تأخیر افتاده و مدت زمان مدیدی پس از ملاقات‌ها با اعضای شرکت کننده در جلسه مسکو، دیدار یادشده جنبه عملی بخود اختیار نمود.

تفاوت رویداد مسکو از سایر مسایل قبلی اینچینی، بگونه علنی تحویل گسترده "طالب"ها محسوب می‌گردد. باین حال،

اما بنظر بسیاری از کارشناسان، چگونگی ترکیب هیأت های نمایندگی در نشست یادشده، بگونه کلی، نقطه ضعف رویداد یاد شده پنداشته می شود.

در آستانه کنفرانس (یعنی کنفرانس، اما بهیچوجه نه "مذاکرات")، دولت افغانستان بگونه مکررا اعلام نمود که هیأت فر ستاده شده جانب افغانی بمنظور شرکت در کار کنفرانس مسکو، هیأت دولتی نبوده و نمی تواند از دولت افغانستان و مو ضعگیری آن نمایندگی نماید. چه، هیأت یادشده، هیأتی از شورای عالی صلح بوده، شورایی که ارگانست مشورتی و بمنظور زمینه چینی مذاکرات و گفتگوهای بین الافغانی ایجاد گردیده و بهیچوجه در تصمیمگیری های سیاسی اصلن نقش و سهمی ندارد.

این مسأله قابل فهم می باشد که بیشترین تعداد کشورهای شرکت کننده در کار کنفرانس (پنج کشور آسیای میانه، هند، پاکستان، ایران، چین و همچنان ایالات متحده اما بگونه ظاهری)، معاونان وزرای خارجه و یا نماینده های تخصصی شان را غرض شرکت در کار کنفرانس مسکو فرستادند.

یگانه عضو هیأت را که می توان بمثابه نماینده رسمی کابل پنداشت، شخص عبدالقیوم کوچی سفیر افغانستان در روسیه بود. نامبرده زمانی که در محل از قبل تعیین شده اخذ موقع نمود، باین واقعیت پی برد که وضعیت حقوقی اش در حال حاضر (در کنفرانس) مشخص نمی باشد. تصمیم به استعفای یک دیپلمات سالخورده که در واقعیت امر، کاکای اشرف غنی می باشد، قبل بر این اتخاذ گردیده، اما تاکنون جامه عمل نپوشیده است.

کارشناسان امور توضیح داده اند که دولت بر هبری اشرف غنی در نظر داشت تا بحساب روسیه، بههدف قبلی اش مبنی بر انجام مذاکرات مستقیم با "طالب" ها نایل گردد. اما "طالب" ها هنوز هم به انجام امر فوق متقاعد نشده و چنین یادآور می شوند که "آنها با رژیم دست نشانده کابل که بمثابه عروسی در دست های واشنگتن قرار دارد، اصلن وارد مذاکره و گفتگو نخواهند شد." اگر چنین تصور گردد که مذاکره و گفتگویی در کار نخواهد بود، دولت بر هبری اشرف غنی در مورد امکان تدویر جلسه ای بمثابه یک گل می اندیشد، اما در نهایت امر، تصمیم بعمل آمد تا نمایندهایی از شورای عالی صلح بمنظور شرکت در کار کنفرانس مسکو مؤظف گردند.

در این میان، علیرغم مخالفت های موجود، مسکو کوشید تا با دعوت از سیاستمدارانی چون حامد کرزی، حنیف اتمر و همچنان با دعوت نماینده هایی از گروه ها و اجتماعات ملی تاجیک ها، ازبیک ها و هزاره ها، بیش از پیش به حیثیت و اعتبار کنفرانس بیافزاید. در گام نخست، همه آنها به امر یادشده موافق بودند، اما اشرف غنی بگونه هشدار های تهدید آمیز، دیپلمات های روسی را مخاطب قرار داد تا از تماس با افراد و اشخاصی که وی دوستشان ندارد، اجتناب ورزند. مخاطبان دیگر با تفسیر های متنوع و گونه گونه، وضعیت را تشریح نمودند، اما واقعیت همچنان بمثابه واقعیت باقی می ماند و آن اینکه بمنظور اختلال در کار کنفرانس، بگفته سازماندهندگان آن، فتنه ها و دسایس زیادی سر هم بندی گردید.

در این امر تردیدی موجود نمی باشد که موجودیت و حضور هیأت "طالب" ها در مسکو که در رأس آنها شیر محمد عباس ستانکزی به نمایندگی از دفتر سیاسی دوحه قرا داشت، به گونه ای به آنها رسمیت بخشیده شد. قابل یادآوری می باشد که نه تنها مسکولکه واشنگتن نیز با وجود افزایش تلفات قوت های نظامی آن کشور، تماس هایشان را با دفتر متذکره همچنان حفظ نمودند. اما باید متذکر گردید که این دیپلوماسی هرگز به آنها کمک نمی نماید.

از جمله مسایل قابل ذکر، یکی هم اینکه جنبش "طالب" ها، از ساختار شبکه پی پیچیده ای برخوردار می باشد. در مدت زمان پنج سال اخیر، آنها دوفرا از رهبران شان ملامحمد عمر را در سال ۱۳۹۳ و اختر منصور را طی سال ۱۳۹۵ بخاک سپردند. بسیاری از تحلیلگران چنین ادعا می نمایند که پس از این، جنبش یادشده دچار ضعف گردیده و با موجودیت مخا لفت ها و دشمنی های داخلی، آنها قادر نخواهند بود تا با سایر تروریست ها، از جمله با جنگجویان "دولت اسلامی" مقابله نمایند. اما در عمل، "طالب" ها بیش از پیش به تحکیم مواضع شان مبادرت ورزیدند.

خطوط کلی در مورد بسا مسایل و موضوعات در میان "طالب" ها از قبل موجود بوده و اطلاعات و گزارش هایی دال بر این امر می باشد که رهبری "طالب" ها، دفتر سیاسی را مؤظف به تأمین ارتباط از نام آنها نموده است. اما آنها خود به این واقعیت معترفند که برخی از فرکسیون های "طالب" ها طرفدار تداوم جنگ الی پیروزی نهایی بوده و گروهی هم طرفدار مذاکرات و گفتگوها و یا ترکیبی از فشار نظامی و سیاسی می باشند.

قابل یادآوری می باشد که حل و فصل اختلافات داخلی "طالب" ها توسط شورایی که در شهر کوئته پاکستان موقعیت دا

رد، انجام می پذیرد. کارشناسان، زیگنال هایی مبنی بر طرح های ابتکاری که بیشتر نشاندهنده خلق و خوی "طالب"ها می باشد را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهند.

در شرایط و وضعیت کنونی، "طالب"ها بیشترین براساس شریعت مورد نظرهیبت الله اخند زاده و سراج الدین حقانی معاونش هدایت و رهبری می گردند. سراج الدین حقانی پسر جلال الدین حقانی در رأس حلقات و گروهایی که در شدت عمل خویش زبانزد عام و خاص اند، قرا دارد.

اما در عمل، "طالب"ها در اجرای فعالیت ها و انجام برنامه های شان فعال بوده و به تداوم عملکردهای تروریستی شان بیش از هر زمان دیگر، شدت بخشیده اند. بگونه کلی نه تنها امریکایی ها و همه کارمندان امریکایی که "طالب"ها آنان را خابنینی بیش نمی پندارند، بلکه نظامیان کشور و افراد ملکی نیز برای آنها هدف پنداشته می شوند.

در جهان ایده آل، بویژه در شرایط و وضعیتی که کشور عزیزما قرار دارد، بمنظور حل و فصل اختلافات موجود و نایل گردیدن به هدف مطلوب، تدویر و انجام مذاکره و گفتگو در کشور بیطرفی باید صورت گیرد که در آن، تمامی وزرای خارجه کشورهای همجوار افغانستان حتا بشمول قزاقستان و هند که با کشورما مرز مشترک نیز ندارند و همچنان نمایندگا نی از کشورهای روسیه، ترکیه، عربستان، قطر، ایالات متحده همراه با منشی عمومی ناتو، رئیس جمهور افغانستان همراهِ رهبران اجتماعات ملی کشور و نماینده های "طالب"ها همراه با هیأتی از پاکستان حضور بهم رسانند، که خیلی ها هم عملی بنظر می رسد. در نتیجه مطابق اعلامیه ای که در ختم نشست یادشده به تصویب می رسد، همه قوت های نظا می خارجی سرزمین و اراضی کشورما را ترک گفته، انتخابات ریاست جمهوری با شرکت و سهمگیری کاندید های "طالب"ها سازماندهی و اجرا گردد.

اینهمه با حفظ چهارچوب "اصول دموکراسی"، احترام به حقوق زنان و سهمگیری آنها در امور ادارات دولتی و فراهم آوری زمینه بمنظور اجرای فعالیت های بشردوستانه سازمان هایی چون سازمان حقوق بشردر کشور امکان پذیر می باشد. ممکن بعضی از نهادهای بین المللی نیز بمنظور توسعه زیرساخت ها در کشور ایجاد گردیده و آغاز بفعالیت نمایند. در غیر آن، آنچه که جنگ برای اسلام نامیده می شود، همچنان ادامه خواهد یافت.

اما سناریوی فوق کاملن ایده آل محسوب گردیده و تطبیق عملی آن ناممکن بنظر می رسد. در دنیای واقعی کنونی، روسیه و ایالات متحده، نمونه های منحصر بفرد خودشان در مورد حل و فصل قضایای کشورما را در دست دارند. اما یکی از طرفین یادشده هم اصلن واقعیت عدم موجودیت اعتماد بنفس در هر دو طرف درگیری را مورد توجه قرار نداده اند، بنا براین، نتیجه تلاش های آنها میکانیزمی را بخاطر می آورد که فاقد جزئیات مهم می باشد. همچنان قابل یادآوری پنداشته می شود که اشخاص و افراد نسبتن با وزنه درگردهمایی متذکره دعوت شده بودند و اما در نتیجه آشکار شد که دستگاه خو ب کار نکرده و وظایف محوله را انجام نمی دهد.

این مسأله را هیچگاهی نباید فراموش نمود که ایالات متحده بمفهوم وسیع کلمه بر دستگاه سیاسی اداره کنونی دولت افغانستان تأثیر گذار می باشد. همچنان برخی از مذاکرات جدی با "طالب"ها بویژه پس از تهیه برنامه خروج نظامیان خار جی و در رأس امریکایی ها توسط واشنگتن رویدست گرفته شده و حتا با "طالب"های قابل مذاکره در قطر نیز گفتگوهایی مطرح بحث می باشد.

اما در شرایط و وضعیت کنونی، به چنین سادگی، خروج نظامیان امریکایی از کشورما مقدور نمی باشد. این مسأله نیز قابل فهم می باشد که با عدم موجودیت این مفهوم که هیچکسی علیه آنها نمی باشد، "طالب"ها اصلن به مذاکره حاضر نخو اهند شد و آرزومندند تا موازین و اصول مورد نظرشان را وارد عرصه مورد نظر نموده و قواعد بازی را بنفع خویش تغییر دهند.

ناظران امور چنین اقامه دعوا می نمایند که دعوت رسمی از نماینده "طالب"ها بمنظور شرکت در نشست مسکو، به نحوی از انحا بمفهوم برسمیت شناختن "طالب"ها بمثابه گروه سیاسی محسوب می گردد. علاوه بر آن، کمک و پشتیبانی از "طالب"ها، بگونه کلی به هدف خروج ایالات متحده از منطقه صورت می گیرد. روسیه در قبال تهدیدهایی که بمنظور بی ثباتی آسیای مرکزی صورت می گیرد، نمی تواند بی تفاوت باشد.

چنین سرو صداهایی بگوش می رسد که در شرایط کنونی همکاری جانب روسیه با ایالات متحده در خصوص مسایل مربوط به کشورما فقط عجیب بنظر می رسد.

توضیح اشتیاق ایالات متحده بمنظور جمع آوری گل افغانستان در میز مذاکره، بکسی پوشیده نمی باشد. قابل یادآوری پنداشته می شود که با هزینه نمودن میلیاردها دلار و مرگ هزاران نفر از نظامیان امریکایی، نظامیان افغان و افراد بی دفاع ملکی کشور، موفقیت و پیروزی چشمگیری نصیب واشنگتن نگردید. اما اداره ایالات متحده این را خوب می داند که روسیه در مسأله افغانستان با وی رقابت نخواهد نمود. واشنگتن نه تنها موضوع فوق را نادیده می انگارد، بلکه در نظر دارد حتماً قابلیت پدید آمدن آنرا نیز در نطفه خاموش نماید.

بگونه مثال، با وجود دعوت از ایالات متحده منظور شرکت هیأت نمایندگی آن کشور در کار کنفرانس مسکو که برای نخستین مراتبه طی ماه جدی سال ۱۳۹۶ صورت گرفت، اما واشنگتن از فرستادن هیأت نمایندگی آن کشور با وریزید و هیأت نمایندگی آن کشور در کنفرانس غائب بوده و اما نماینده سفارت ایالات متحده به صفت ناظر در کار کنفرانس نیز سوال برانگیز بود.

نباید از موجودیت حيله گری هایی در مجموعه موارد گفته آمده چشم پوشی بعمل آید. اندکی به عقب برمی گردیم، بلی وزیر امور خارجه روسیه و معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده هر دو در کار کنفرانس تاشکند به این دلیل حضور بهم رسانیدند که ادعایی از طرفین روسیه و ایالات متحده بر علیه همدیگرشان مطرح نباشد. اما متأسفانه که در بسیاری از مسایل مطرح و مورد بحث در عرصه روابط بین المللی، بنحوی از انحاء سعی بعمل می آید تا در نتیجه و نهایت کار، یکی، دیگری را کنار بگذارد و این واقعیتی می باشد که همیشه تکرار گردیده است. اما در مسأله کشور ما که از حادثترین ها در مجموعه روابط بین الدول محسوب می گردد، کنار گذاشتن ها نباید مطرح بحث باشد، بلکه باید سعی و تلاش بعمل آید تا همه بگونه مشترکی در حل و فصل قضایای موجود که حتماً سیستم روابط و مناسبات بین المللی را نیز متأثر می سازد، نقش شان را بگونه انجام دهند تا همه برنده باشند و نه یکطرف قضیه.

قابل یاددانی می باشد که قبلن، در مذاکرات تاشکند، "طالب"ها حضور نداشتند و چنانچه یکی از شرکت کنندگان مذاکرات یادشده اظهار داشت که هیأت نمایندگی قطر از منافع و موضعگیری "طالب"ها در مذاکرات یادشده نمایندگی مینمود. چنین بنظرمی رسد که با وجود تمامی واسطه های سختگیرانه نباید منتظر تکه تکه شدن دولت افغانستان و یا "طالب"ها بود.

همچنان، امیدواری مشخص و منحصر بفردی اصلن وجود ندارد که انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، بنحوی سبب تغییر کلی وضع موجود گردد. چنین پیشبینی هایی نیز موجود می باشد که ممکن با ترک پست ریاست جمهوری توسط اشرف غنی، اوضاع نابسامان کنونی بهتر گردد، اما واشنگتن دیگنال هایی فرستاده مبنی بر اینکه در نظر ندارد تا اشرف غنی را در شرایط کنونی با شخص دیگری بمتابیه رئیس جمهوری کشور ما معاوضه نماید. اظهارات خلمی خلیل زاد نماینده خاص ایالات متحده در امور کشور ما که اخیرن در روزنامه وال ستریت ژورنال به نشر رسیده، مشعر است که بمنظور تداوم وضع موجود، ممکن انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان به تعویق انداخته شود. اگر چنین شود، باید قوت های معینی بحیث مدیر نظارتی عمل نموده و بمتابیه تمرینی برای "مذاکرات ایده آل" محسوب گردد.

اما چنین می نماید که در شرایط کنونی، مذاکرات یادشده هرگز از قوه بفعال مبدل نخواهد گردید.

بیست و چهارم ماه نوامبر سال ۲۰۱۸